

حقوق بشر در اتحادیه اروپا

دکتر ابوالقاسم طاهری^۱ - طیبه اتحاد نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۵

چکیده:

حمایت از حقوق بشر در درجه اول یک موضوع مربوط به حقوق داخلی است. تکامل جامعه جهانی آن را از حمایت بین‌المللی برخوردار نموده است. اتحادیه اروپا در سیاست خارجی خود علاوه بر پیگیری اهدافی چون امنیت ملی و توسعه اقتصادی، مسائل حقوق بشری را نیز مد نظر داشته است. اتحادیه اروپا از قدرت نرم به جای قدرت سخت در دیپلماسی خود استفاده می‌کند و همچنین جهانی سازی حقوق بشر را مبنای اصل ایدئولوژیک سیاست خارجی خود قرار داده و احترام به حقوق بشر، به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا بدل گشته است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یک نمونه و الگوی خوب از نخستین تلاش‌هایی است که برای اجرایی کردن حقوق بشر صورت گرفته و آن را از حالت اعلامی صرف خارج نموده است. در این کنوانسیون یک دادگاه اروپایی فراملی به منظور نظارت بر عملکرد دولتهای عضو در پیروی از اصول مندرج در کنوانسیون در زمینه حفظ حقوق بشر پیش بینی گردیده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، دادگستری اروپایی، اتحادیه اروپا، دیوان اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی

- استاد و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تحقیقات، تهران، ایران
Abolghsem_taheri@yahoo.com

- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ایران

مقدمه:

طی س‌اهای اخیر مقوله "حقوق بشر" به یک گفتمان موثر و غالب در سیاست و روابط بین‌المللی تبدیل شده است. تا جایی که اکنون اعتقاد راسخ نسبت به حمایت از حقوق بشر در سطح بین‌الملل است. امروزه تاثیرات متقابل مقوله حقوق بشر و مناسبات قدرت در سطح جهانی امری انکار ناپذیر است. (غایبی، ۱۳۸۸: ۳۴)

به سختی می‌توان روزی را یافت که در اخبار جهان از حقوق بشر صحبت به میان نیاید. گرچه خود اصطلاح "حقوق بشر" جهانی شده است و کسی با کاربرد این اصطلاح مخالف نیست ولی کمتر کسی است که به طور واقعی بداند حقوق بشر کدام است و چه اهمیتی دارد؟ (جلالی، ۱۳۸۲: ۲)

اتحادیه اروپا بعنوان یکی از قدرتهای موثر جهانی، دارای "سیاست مشترک امنیتی و خارجی" مدون و مصوب در زمینه حقوق بشر است که دولت‌های اروپایی را به پیگیری اهداف تعیین شده موظف می‌کند. در طی دهه گذشته "جامعه اروپا" با هدف ارتقا و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به تصویب تعدادی از معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های جمعی در زمینه حقوق بشر اقدام کرده است. (غایبی، ۱۳۸۸: ۴۶)

اتحادیه اروپایی در سیاست‌های اعلامی خود رعایت حقوق بشر را شرطی ضروری در مناسبات داخلی و خارجی‌اش خوانده و برای نمونه پیوستن کشورهای اروپایی به اتحادیه، بهره‌مندی از امکانات آن و حتی انعقاد معاهده با سایر کشورها را منوط به احترام به حقوق بشر می‌کند. در این مقاله، جایگاه مقوله دفاع از حقوق بشر در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

"حقوق بشر سنگ بنای سیاست خارجی اتحادیه اروپاست" این جمله نخستین جمله‌ای است که در خصوص سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر، در سایت اینترنتی این اتحادیه نگاشته شده است.

اعلامیه سال ۱۹۹۱ اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر تاکید می‌نماید که حقوق بشر بخشی از سیاست خارجی آن به حساب می‌آید، لذا از این پس شاهدیم که اتحادیه اروپا جهت ارتقای مداوم سطح حقوق بشر، در موافقت نامه‌های همکاری و اقتصادی با جهان سوم، بندهایی را نیز به حقوق بشر اختصاص داده است. چنانچه در قطعنامه حقوق بشر دموکراسی و توسعه نوامبر ۱۹۹۱ به روشنی این مساله تشریح شده است: "جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای عضو آن، صراحتاً رعایت حقوق بشر را به عنوان بخشی از روابطشان با کشورهای در حال توسعه معرفی می‌کنند و بندهای مربوط به حقوق بشر در موافقت نامه‌های همکاری آتی قید خواهد شد". (موسویان، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۵۳)

رژیم دفاع از حقوق بشر در اتحادیه از چهار مجموعه اسناد تشکیل شده است:

- ۱) معاهدات دوگانه شکل‌دهنده اتحادیه
- ۲) منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا
- ۳) رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی
- ۴) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (که پیوستن به آن توسط پیمان «لیسبون» ضروری شمرده شده، ولی تاکنون تحقق نیافته است).

با توجه به اهمیت سند چهارم، تسریع در روند پیوستن اتحادیه اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر لازم به نظر می‌رسد. هر چند که کنوانسیون در حال حاضر نیز در نظام حقوقی اتحادیه و به‌ویژه رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی مورد استناد قرار می‌گیرد، اما پیوستن اتحادیه به کنوانسیون، جایگاه آن را در نظام حقوقی اتحادیه نهادینه خواهد ساخت و نیز نظارت بر رعایت حقوق بشر در فعالیت‌های اتحادیه را، برای تضمین بیش‌تر بر عهده نهادی خارج از اتحادیه (یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر) قرار خواهد داد. با این حال، همچنان خلاء در زمینه حقوق بشر در نهادهای اتحادیه اروپایی وجود دارد و به‌عنوان نمونه، توجه مکفی به حقوق اقتصادی و اجتماعی نشده است. بعلاوه لازم است که اسناد مختلف تضمین‌کننده رعایت حقوق بشر در این اتحادیه در قالب یک نظام یکپارچه حقوقی عمل کنند.

نخستین سند حقوق بشری در سطح منطقه‌ای، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است که در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ به تصویب اعضای وقت شورای اروپا رسید و از سپتامبر ۱۹۵۳ به مورد اجرا گذاشته شد. همچنین کنوانسیون مذکور نخستین سند حقوق بشر است که یک نهاد قضایی، یعنی دیوان اروپایی حقوق بشر واقع در استراسبورگ را به عنوان سازوکار نظارتی بر اجرای مقررات خویش پیش‌بینی کرده است. (فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۳۰)

کمیسیون اروپایی حقوق بشر سابق و دیوان اروپایی حقوق بشر معتقدند که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، یک سند زنده است (Living instrument) و باید در پرتو شرایط روز جامعه تفسیر شود. (Letsas, 2007: 65) این اعتقاد که کنوانسیون، یک سند زنده است موجب شده که دیوان در تفسیر کنوانسیون، به پیشرفت‌های دول متعاقد در اجرای حقوق مورد حمایت کنوانسیون و اوضاع واحوال روز، به ویژه تحولات

حقوق داخلی دولت‌های عضو، متون تهیه شده توسط شورای اروپا، دیگر معاهدات بین-المللی و رویه نهادهای حقوق بشری توجه نماید. (Reid,2004:47)

بنابر اصل تفسیر پویا، معاهدات حقوق بشری باید با توجه به تغییر شرایط زندگی انسان امروز و ارزش‌های اجتماعی حاکم تفسیر شوند. برای اینکه این معاهدات کارآیی داشته و قابلیت اعمال در دوره‌های زمانی طولانی را داشته باشند لازم است که تحولات جدید در تفسیر آنها لحاظ شود. (Miller and R. M,2008:796) امروزه در مفهوم خانواده، آموزش، رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز، شکنجه، کار اجباری، حقوق و تعهدات مدنی، آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی اتحادیه‌های صنفی، حق مالکیت و... تغییر و تحولی ایجاد شده که بسیاری از این تغییرات نمی‌توانست در نظرات و دیدگاه‌های نویسندگان کنوانسیون در زمان تدوین آن وجود داشته باشد. (Loucaides,2007:13) با رشد روز افزون گفتمان حقوق بشر و شکل‌گیری اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حرکت نوین بشرگرایی، رفته رفته از عرصه جهانی به مناطق و قاره‌ها سرایت کرده است. تا آنجا که حقوق بشر بعنوان یکی از مبانی همگرایی‌های منطقه‌ای به شمار رفته است. همگرایی‌های منطقه‌ای بر سه پایه دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون استوار شده است که بی تردید این سه اصل در هم تنیده اند.

(پایبندی به رعایت این اصول به ویژه حقوق بشر از چنان اهمیتی برخوردار است که یکی از مهمترین شرایط عضویت اعضای جدید در شورای اروپا، اتحادیه اروپا، و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای قلمداد می‌شود. چنانکه تقاضای مکرر برخی از دولت‌ها برای ورود به اتحادیه اروپا صرفاً بدلیل عدم رعایت و نقض حقوق بشر کماکان نافرجام مانده است.) (باوند، ۱۳۸۱:۴۵)

اروپاییان در تدوین اسناد حقوق بشری پیشگام شده و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را تدوین نمودند. این کنوانسیون را می‌توان آغاز تحولی مهم در توسعه و ارتقا حقوق بین‌الملل بشر به شمار آورد، به این دلیل که به موجب این سند برای نخستین بار یک مرجع قضایی ویژه جهت رسیدگی به شکایت افراد در خصوص نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آنها ایجاد گردید. (سادات اخوی و اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۲۳۳ تا ۲۵۶) در زمان تهیه پیش‌نویس کنوانسیون، کارشناسان و تدوین‌کنندگان نمی‌خواستند اجرای کنوانسیون محدود به افراد ساکن در قلمرو سرزمینی دولت‌ها شود، به همین دلیل از عبارت انعطاف‌پذیر "تحت صلاحیت" استفاده کردند.

ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: "دولت‌های متعاقد باید برای هرکسی که در قلمرو صلاحیت آنهاست حقوق و آزادی‌های مندرج در بخش یکم این کنوانسیون را تامین کنند" (امیر امجد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲).

بنابراین مسئولیت‌های دولت‌ها صرفاً محدود به اقداماتی نیست که در قلمرو سرزمینی خود مرتکب می‌شوند. همچنین این ماده در صدد محدود نمودن کنوانسیون به عامل تابعیت یا ملیت نمی‌باشد، بدین معنا که دولت‌های عضو در قبال نقض حقوق بشر اتباع بیگانه که تحت صلاحیت آنها واقع‌اند نیز مسئول قلمداد می‌شوند.

باید در نظر داشت کنوانسیون با هدف رفع تمامی مشکلات و نواقص موجود در خصوص حمایت از حقوق بشر افراد در سراسر جهان تدوین و تصویب نشده است و نمی‌توان از آن چنین انتظاری داشت. اما از سوی دیگر باید به این نکته نیز توجه نمود که فرا سرزمینی بودن اقدامات دولت‌های عضو نمی‌تواند عامل رافع مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر افراد تحت صلاحیت تلقی شود. (منظور از مسئولیت دولت‌ها در قبال

نقض حقوق بشر صرفاً طرح مسئولیت و مطالبه خسارت نیست، بلکه جنبه بازدارندگی آن نیز مطرح است و این مهم میسر نخواهد شد مگر از طریق حمایت مؤثر از قربانیان و مجازات ناقضان حقوق بشر که در اثر اقدام آنها دولت‌ها مسئول شناخته می‌شوند. (هرسی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۶۳)

جهت تکمیل مقررات کنوانسیون به جهت حمایت از حقوق بشر تاکنون ۱۳ پروتکل به آن الحاق گردیده است که از آن جمله می‌توان به پروتکل شماره ۶ متضمن لغو مجازات اعدام، پروتکل شماره ۱۱ که با حذف کمیسیون اروپایی حقوق بشر، سیستم دو مرحله‌ای نظارت بر اجرای مقررات کنوانسیون به ترتیب توسط کنوانسیون و دیوان را تبدیل به رسیدگی یک مرحله‌ای نمود و پروتکل شماره ۱۳ که تحت هیچ شرایطی حتی زمان جنگ، کیفر اعدام را قابل اجرا نمی‌داند، اشاره کرد.

در سال ۱۹۵۹ دادگاه اروپایی حقوق بشر برای رسیدگی به شکایات علیه دولت‌های عضو در مورد نقض حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون، از جمله حق حیات، منع شکنجه، حق دسترسی به محاکمه عادلانه، آزادی بیان و آزادی اجتماعات تشکیل گردید. متعاقباً پروتکل‌های متعددی به کنوانسیون ضمیمه گردید و دامنه حقوق و آزادی‌های حمایت شده را گسترش داد. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

با توجه به عدم توانایی ساختار قدیمی دادگاه در مقابله با حجم وسیع دعاوی، با تصویب پروتکل شماره ۱۱، بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که بیان می‌داشت "جهت تضمین تعهداتی که بر عهده طرفین بلند پایه این کنوانسیون است، دادگاه اروپایی حقوق بشر که از این به بعد در متن، دادگاه خوانده می‌شود، تاسیس می‌شود این دادگاه به طور دائمی دایر خواهد بود" تجدید نظر اساسی در ساختار و سیستم

رسیدگی دادگاه به عمل آمد. با لازم الاجرا شدن این پروتکل در سال ۱۹۹۸ دادگاه جدیدی به صورت تمام وقت، با شعبه‌های متعدد و با داشتن صلاحیت اجباری، جایگزین دو نهاد قبلی یعنی دادگاه نیمه وقت و کمیسیون اروپائی حقوق بشر گردید. (همان)

با لازم الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فرآیند رسیدگی به شکایات نقض کنوانسیون آسان‌تر و کوتاه‌تر شده است، لیکن به نظر نمی‌رسد که سیستم ایجاد شده توسط این پروتکل نیز بتواند پاسخگوی نیاز روز افزون و پرونده‌های رو به تزاید ارجاع به دادگاه اروپایی حقوق بشر باشد، آمار پرونده‌های وارده و پرونده‌های مختومه تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد که نمایانگر ناتوانی سیستم موجود در رسیدگی سریع و به موقع شکایات است، همین امر چهره‌های حقوقی شاخص اروپایی را در ژوین ۲۰۰۰ در کنار هم قرار داد تا تغییرات بیشتری در سیستم رسیدگی را مورد بحث قرار دهند. (Lcach,2001:5-6)

دادگاه اروپایی حقوق بشر برای تفسیر عینی یک دادگاه بی طرف معمولاً به بررسی این نکته پرداخته است که آیا دادگاه، تضمینات کافی برای رفع شک و ابهامات قانونی را به متهم اعطا نموده است یا خیر؟ لازم به ذکر است که در هر قضیه دادگاه متوجه می‌دارد که آیا ظواهر و تشریفات دادرسی نیز مورد رعایت قرار گرفته است یا خیر؟ (قراچورلو، ۱۳۸۱:۳۴) منظور از بی‌طرفی دستگاه قضایی در دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز این است که قاضی باید هر موضوع یا هر قضیه شخصی یا ایده‌ای را بدون موضع‌گیری موافق یا مخالف و بدون هرگونه پیش‌داوری، ارزیابی و قضاوت نماید.

بی‌طرفی قاضی به نوعی تعهد و الزام وی مبنی بر آن است که نباید طرف هیچ یک از اصحاب دعوی را بگیرد و عبارتی "بدون توجه به شخص" باید به هر قضیه رسیدگی

نماید و دقیقاً به همین خاطر است که فرشته عدالت با چشمان بسته نشان داده می‌شود.^۳

تمام موارد پیش گفته نشان از آن دارد که موضوع حقوق بشر، در حال حاضر از نقشی کارآمد در سیاست‌های اتحادیه اروپا، کنوانسیون اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر برخوردار شده است. از زمان امضای معاهده رم که براساس آن جامعه اروپایی در سال ۱۹۵۷ تاسیس شد، یکپارچگی اروپا مبتنی بر اصول جهان شمول آزادی و مردم سالاری، احترام به حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بوده است.

با این حال سه دهه بعد از معاهده رم اتحادیه اروپا در زمینه گنجاندن حقوق بشر و اصول مردم سالاری در سیاست‌های خارجی اقدام مهمی انجام داد و این موضوع با امضای معاهده اتحادیه اروپا در نوامبر سال ۱۹۹۳ وارد مرحله اجرایی شد. معاهده مذکور توسعه و تحکیم "مردم سالاری" احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را هدف اصلی سیاست مشترک خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرار داد. همچنین تصریح دارد سیاست جامع اروپا در حوزه همکاری توسعه‌ای باید به توسعه و تقویت حقوق بشر و احترام به آن کمک کند. (گلشن پژو، ۱۳۸۶: ۲۳)

معاهده آمستردام (که از تاریخ ۱ مه ۱۹۹۹ اجرایی شد) ماده ۶ را به روشنی و این گونه توضیح می‌دهد که اتحادیه براساس اصول آزادی و احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون، یعنی اصولی که در تمام کشورهای عضو مشترک هستند بنا شده است.

³ - DEPERSONALISATION

این معاهده همچنین مکانیسمی برای تحریم کشورهایی که مرتکب نقض جدی و مستمر حقوق بشر می‌شوند، توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا برقرار کرده است. این مکانیسم توسط معاهده نیس که در دسامبر سال ۲۰۰۰ میلادی منعقد شد، بیش از پیش مستحکم گردید. (همان: ۴۱)

نتیجه‌گیری:

کنوانسیون اروپایی به عنوان یک سند حقوق بشری مهم، شامل مقرراتی در زمینه حمایت از حقوق بشر افراد است. کنوانسیون اروپایی برای نیل به هدف مزبور، تعهداتی را برای دولت‌های متعاقد در نظر می‌گیرد و نهادی را نیز جهت نظارت بر اجرای این تعهدات ایجاد می‌کند. وظیفه تفسیر حقوق مندرج در کنوانسیون بر عهده دیوان اروپایی حقوق بشر است و این نهاد با استفاده از روش‌ها و فنون تفسیری خاص خود، این حقوق را تفسیر و اجرا می‌کند.

اتحادیه اروپا در پیشبرد حقوق بشر و دموکراسی در جهان از طریق استفاده از یک رهیافت راهبردی متمرکز تحت عنوان ابتکار اروپایی برای دموکراسی و حقوق بشر نقش بسزایی داشته است. در این بین کمیسیون اروپایی بعنوان تضمین‌کننده پیوستگی و استمرار سیاست‌های اتحادیه اروپا نقش اصلی را داشته است. کمیسیون همچنین سایر فرصت‌ها در دیگر حیطه‌های سیاست‌گذاری جامعه اروپا، همچون تجارت جهانی را نیز به منظور پیشنهاد ابتکارات و سیاست‌های جدیدی به نفع ارتقای حقوق بشر و دموکراسی سازی، مد نظر قرار داده است.

نکات طرح شده نشان از آن دارد با گذشت زمان مسایل حقوق بشری خبر از وجود اراده جمعی چه ظاهری و چه واقعی جهت لحاظ کردن ترتیبات حقوق بشری در مناسبات اتحادیه اروپا دارد.



منابع:

- موسویان، سیدحسن (۱۳۸۵)، *بررسی روابط ایران و آلمان*، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلت نظام، تهران

مقالات

- جلالی، محمود، پاییز (۱۳۸۲)، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۴
- سید علی سادات اخوی و حوریه حسینی اکبرنژاد، زمستان (۱۳۸۸)، *فصلنامه حقوق*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴
- غایبی، محمد رضا، مرداد (۱۳۸۸)، *اتحادیه اروپا و موضوع حقوق بشر در کشورهای جهان سوم رهیافت گفتگوهای حقوق بشری*، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، شماره ۳۹
- طباطبایی، سید احمد، زمستان (۱۳۸۲)، *دادگاه اروپایی حقوق بشر، ساختار و صلاحیت‌های جدید*، شماره ۴۴
- فاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۷۹)، *دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر*، *مجله حقوقی*، شماره ۲۵
- قراچورلو، رزا، خرداد و تیر (۱۳۸۱)، *مجله وکالت*، شماره ۱۱
- محمود رضا گلشن پژوه و زهره خطیبی، بهار (۱۳۸۶)، *نگاهی به سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر*، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، شماره ۱

منابع انگلیسی:

- G.Letsas,(2007),*A Theory of Interpretation of the European*

Convention on Human Rights, First edition, Oxford, Oxford University Press, 2007

-K.Reid,(2004),**A Practitioner's Guide to the European Convention on Human Rights**, Thomson/Sweet and Maxwell

-R.A. Miller and R.M,(2008),**Bratspies, Progress in International Law**, 1st edition,. Leiden/Boston, Martinus Nijhoff

مقالات

-L.G.Loucaides,(2007),**The Rule of Interpretation of the European Convention on Human Rights**,in Loucaides,L.G.,**The European Convention on Human Rights-Collected Essays**, Leiden/Boston, Martinus Nijhoff

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی